



دانشگاه علامه طباطبائی

**پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد**

رشته زبان و ادبیات فارسی

مرکز آموزش های نیمه حضوری و تخصصی آزاد دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان :

# **شیوه های شخصیت پردازی در « کلیده و دمنه » و « مرزبان نامه »**

استاد راهنما :

**جناب آقای دکتر محمد حسن حائری**

استاد مشاور :

**سرکار خانم دکتر رودابه شاه حسینی**

تهیه و تدوین :

**معصومه پوراسدیان**

زمستان ۱۳۸۹

به نام خدایی که  
به نام خدایی که  
قلمش پادر میانی کرد  
قلمش پادر میانی کرد

تا بنگارم حقیق

بنگارم عشق

بنگارم خداوند ...  
بنگارم خداوند ...

پیشکش به ؛

روان پاک مادرم

که مهرش بی دریغ بود و دلتنگی ام برایش بی پایان ...

به دستان پاک پدرم

که در سراپه ی دلتنگ زندگی مردانه زیست.

و به

جواد ، جمال و سعید عزیزم ...

## مقدمه :

ادبیات فارسی در دو گستره ی شعر و نثر ، جامع جمیع جنبه های زندگی و اجتماعی ایرانی است که از هیچ گوشه و کنار وجود آدمی غفلت نکرده است . به جرأت می توان ادعا کرد که برای شناخت قوم ایرانی و درک افکار و علایق و سلیقه ها و آداب و عادات و روش و منش و بینش و دانش این ملت ، هیچ راهی بهتر و فراگیرتر از ادبیات وجود ندارد . ادب فارسی ، جلوه گاه جمال جان ایرانی است . از این رو ، اگر فرهنگ ایران را با ادب فارسی یگانه انگاریم ، چندان به خطا نرفته ایم .

نویسندگان و پژوهشگران فرهنگ دوست فارسی زبان ، در طول تاریخ پرفراز و نشیب این مرز و بوم کهن ، دستاوردهای بیشماری را برای محققان ادبی امروز ، به جا گذاشته اند که پرداختن به جنبه های مختلف این آثار از ارزش والایی برخوردار است .

یکی از این زمینه ها ، بررسی ساختار عناصر داستانی در کتب نظم و نثر است . همچنین ویژگی های شخصیت پردازی و آشنایی با شخصیت های داستان ها از اهمیت خاصی برخوردار است .

این مجموعه ، پژوهشی است در خصوص شخصیت پردازی و آشنایی با شخصیت های داستانی و ویژگی های آن ها در دو کتاب ارزشمند « کلیله و دمنه » و « مرزبان نامه » ، که در سیزده فصل فراهم آمده است :

فصل اول : تحت عنوان « کلیات » ؛ برای آشنایی مختصری با شخصیت و عناصر داستان ، در برگیرنده ی مقولاتی است ، چون : شخصیت و شخصیت پردازی ، لحن ، طرح ، شیوه های نقل و ...

فصل دوم : ضمن آشنایی مختصری با دو کتاب « کلیله و دمنه » و « مرزبان نامه » به معرفی ادبیات تعلیمی ، قصه ، تمثیل ، فابل و ... می پردازد.

از فصل سوم تا فصل سیزدهم ، سعی شده به معرفی شخصیت های دو کتاب و بررسی ویژگی های آنان در قالب نقشی که در داستان ها ایفا می کنند ، پرداخته می شود . برای دسترسی آسان ، شخصیت ها به قرار زیر تقسیم بندی می شود :

فصل سوم : شیران و شاهان ( شیر ها ، به این دلیل که همواره در داستان هایی که بازیگران آن حیوانات هستند ، نقش سلطان جنگل را ایفا می کند ، با شاهان در کنار هم قرار گرفته اند . )

فصل چهارم : وزیران

فصل پنجم : زنان ، دختران و مادران

فصل ششم : مشاغل

فصل هفتم : حیوانات اهلی

فصل هشتم : پرندگان

فصل نهم : جانوران

فصل دهم : شخصیت های خاص در کلیله و دمنه و مرزبان نامه

فصل یازدهم : دیوان و پریان

فصل دوازدهم : شخصیت بخشی به عناصر طبیعت

و در فصل سیزدهم : نتیجه گیری و فهرست منابع ذکر شده است .

برای دست یابی راحت تر، تمام شخصیت ها در فهرست مطالب نام برده شده اند . و همین امر باعث طولانی و حجیم شدن فهرست مطالب شده است .

شخصیت ها از فصل ششم به بعد به ترتیب حروف الفبا مرتب گردید تا خواننده بتواند به راحتی آنها را مورد بررسی قرار دهند.

در پایان بر خود واجب دیدم از اساتید گرامی ام ؛ جناب آقای دکتر حائری و سر کار خانم دکتر شاه حسینی که با رهنمودهای ارزشمند خود ، مرا در انجام این تکلیف یاری کردند و همچنین از زحمات دوست عزیزم خانم زهره سادات حسینی سپاسگزاری نمایم .

## چکیده :

ذات هر شخص متخلق به خلق و خوی مخصوصی است که در مجموع ، شخصیت او را تشکیل می دهد. وقتی در ادبیات سخن از شخصیت می شود ؛ منظور فرد تحقق یافته ای است که مانند اشخاص حقیقی ویژگی هایی را داراست و با این ویژگی ها در داستان ظاهر می شود . شیوه ی شخصیت پردازی در « کلیده و دمنه » و « مرزبان نامه » به گونه ای است که خواننده از طریق اعمال و گفتار شخصیت ها به ماهیت آن ها پی می برد . در کلیده و دمنه هدف از طرح داستان های تمثیلی ، فراهم آوردن بستری جهت نشان دادن منش های گوناگون انسانی می باشد . در این کتاب ها چندین الگوی شخصیتی با اقتباس از نمونه ی واقعی ، هنرمندانه به صورت نوعی ( تیپیک ) در آمده اند . گفت و گو ، عنصر داستانی دیگری است که در میان حکایت ها از خود استقلالی ندارد و در بافت روایت قصه ها تنیده شده است و نمی توان برای آن حد و مرزی تعیین نمود . شخصیت ها در حکایات این کتاب ها همه به یک طریق حرف می زنند.

**کلید واژه ها :** شخصیت ، شخصیت پردازی ، کلیده و دمنه ، مرزبان نامه ، تمثیل ، فابل ، تیپ.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
<b>فصل اول: کلیات</b>	
۲	۱-۱. شخصیت و شخصیت پردازی.....
۳	۲-۱. لحن.....
۴	۳-۱. طرح.....
۴	۴-۱. شیوه ی نقل.....
۵	۵-۱. شخصیت های ایستا و پویا.....
۷	۶-۱. گفتگو.....
<b>فصل دوم: ادبیات تعلیمی</b>	
۱۳	۱-۲. قصه.....
۱۵	۲-۲. تمثیل.....
۱۷	۳-۲. فابل.....
۲۰	۴-۲. تاریخچه ی حکایت های حیوانات.....
۲۱	۵-۲. شیوه های بیان مسائل سیاسی.....
۲۳	۶-۲. کلیده و دمنه.....
۲۵	۷-۲. مرزبان نامه.....
۲۸	
<b>فصل سوم: شیران و شاهان</b>	
۳۵	۱-۳. شیر.....
۳۶	۲-۳. شیر در کلیده و دمنه.....
۳۹	۳-۳. شیر در مرزبان نامه.....
۴۳	۴-۳. شاه در کلیده و دمنه.....
۴۳	۱-۴-۳. ملک شهر.....
۴۴	۲-۴-۳. ابن مدین.....
۴۴	۳-۴-۳. هبلار.....
۴۴	۴-۴-۳. ملک.....
۴۴	۵-۴-۳. امیر شهر.....

۴۵	.....	۵-۳. شاه در مرزبان نامه
۴۵	.....	۱-۵-۳. ملک
۴۵	.....	۲-۵-۳. ملک نیکبخت
۴۶	.....	۳-۵-۳. شاه
۴۶	.....	۴-۵-۳. شهریار بابل
۴۷	.....	۵-۵-۳. برادر شهریار بابل
۴۷	.....	۶-۵-۳. پادشاه
۴۷	.....	۷-۵-۳. ملک اردشیر
۴۸	.....	۸-۵-۳. ملک
۴۸	.....	۹-۵-۳. رای هند
۴۸	.....	۱۰-۵-۳. پادشاه
۴۹	.....	۱۱-۵-۳. پادشاه
۵۰	.....	۶-۳. ملک زاده
۵۰	.....	۱-۶-۳. پادشاهزاده
۵۰	.....	۲-۶-۳. ملک زاده
۵۲	.....	۳-۶-۳. ملک زاده مهترین
۵۲	.....	۴-۶-۳. شهریار زاده
۵۲	.....	۵-۶-۳. شاهزاده

#### فصل چهارم : وزیران

۵۴	.....	۱-۴. وزیران در کلیله و دمنه
۵۴	.....	۱-۱-۴. زاغ وزیر اول
۵۴	.....	۲-۱-۴. زاغ وزیر دوم
۵۴	.....	۳-۱-۴. زاغ وزیر سوم
۵۵	.....	۴-۱-۴. زاغ وزیر چهارم
۵۵	.....	۵-۱-۴. زاغ وزیر پنجم
۵۶	.....	۶-۱-۴. بوم وزیر اول
۵۷	.....	۷-۱-۴. بوم وزیر دوم
۵۷	.....	۸-۱-۴. بوم وزیر سوم
۵۷	.....	۹-۱-۴. بلار وزیر
۵۸	.....	۱۰-۱-۴. کاریدون حکیم



۵۸	۲-۴. وزیران در مرزبان نامه
۵۸	۱-۲-۴. دستور
۵۹	۲-۲-۴. دیو دستور اول
۵۹	۳-۲-۴. دیو دستور دوم
۶۰	۴-۲-۴. دیو دستور سوم
۶۰	۵-۲-۴. خرس
۶۱	۶-۲-۴. هنج
۶۲	۷-۲-۴. زنج
۶۲	۸-۲-۴. خرس
۶۳	۹-۲-۴. ایراجسته

#### فصل پنجم: زنان ، دختران و مادران

۶۴	۱-۵. زنان در کلیله و دمنه
۶۴	۱-۱-۵. قوم
۶۴	۲-۱-۵. زن بدکاره
۶۴	۳-۱-۵. زن کفشگر
۶۶	۴-۱-۵. زن حجامی
۶۶	۵-۱-۵. زن بازرگان
۶۷	۶-۱-۵. زن مرزبان
۶۷	۷-۱-۵. زن و کنجد بخته کرده
۶۷	۸-۱-۵. زن بازرگان
۶۸	۹-۱-۵. زن درودگر
۶۸	۱۰-۱-۵. زن زاهد
۶۸	۱۱-۱-۵. زن توانگر
۶۹	۱۲-۱-۵. ایران دخت
۶۹	۱۳-۱-۵. زال
۷۰	۱۴-۱-۵. کنیزک
۷۰	۱۵-۱-۵. جفت باخه
۷۰	۲-۵. زنان در مرزبان نامه
۷۰	۱-۲-۵. هنبوی
۷۱	۲-۲-۵. زن بازرگان
۷۱	۳-۲-۵. زن قصاب

۷۱	.....	۴-۲-۵ . زن دیبا فروش
۷۱	.....	۵-۲-۵ . زن نابکار
۷۲	.....	۶-۲-۵ . زن کدخدا
۷۲	.....	۷-۲-۵ . زن جولاهه
۷۳	.....	۸-۲-۵ . زن درودگر
۷۳	.....	۹-۲-۵ . زن خسرو
۷۳	.....	۱۰-۲-۵ . بط ماده
۷۴	.....	۳-۵ . دختران در کلیله و دمنه
۷۴	.....	۱-۳-۵ . دختر ملک شهر
۷۴	.....	۲-۳-۵ . دختر امیر
۷۴	.....	۳-۳-۵ . مهستی
۷۵	.....	۴-۵ . دختران در مرزبان نامه
۷۵	.....	۱-۴-۵ . دختر دهقان
۷۵	.....	۲-۴-۵ . دختر شاه اردشیر
۷۶	.....	۳-۴-۵ . دختر زاغ
۷۷	.....	۵-۵ . مادران در کلیله و دمنه
۷۷	.....	۱-۵-۵ . مادر شیر
۷۷	.....	۱-۵-۵ . مادر شیر
۷۸	.....	۱-۵-۵ . ماده شیر
۷۸	.....	۱-۵-۵ . فزه
۷۸	.....	۱-۵-۵ . زال
۷۹	.....	۶-۵ . مادران در مرزبان نامه
۷۹	.....	۱-۶-۵ . مادر موش
۷۹	.....	۲-۶-۵ . مادر زاغ

### فصل ششم : مشاغل

۸۱	.....	۱-۶ . مشاغل مشترک در کلیله و دمنه و مرزبان نامه
۸۱	.....	۱-۱-۶ . بازرگان
۸۴	.....	۲-۱-۶ . درودگر
۸۵	.....	۳-۱-۶ . صیاد
۸۸	.....	۴-۱-۶ . غلام
۸۹	.....	۵-۱-۶ . کفشگر

۹۱	۲-۶. مشاغل خاص در کلیله و دمنه.....
۹۱	۱-۲-۶. حجامی.....
۹۱	۲-۲-۶. دربان.....
۹۱	۳-۲-۶. زرگر.....
۹۲	۴-۲-۶. زاهد.....
۹۴	۵-۲-۶. سیاح.....
۹۵	۶-۲-۶. طیب.....
۹۵	۷-۲-۶. قاضی.....
۹۷	۸-۲-۶. مزدور.....
۹۷	۹-۲-۶. نقاش.....
۹۸	۳-۶. مشاغل در مرزبان نامه.....
۹۸	۱-۳-۶. آهنگر.....
۹۸	۲-۳-۶. باغبان.....
۹۸	۳-۳-۶. برزگر.....
۹۹	۴-۳-۶. جامه فروش.....
۹۹	۵-۳-۶. جولاهه.....
۱۰۰	۶-۳-۶. حاکم شرع.....
۱۰۱	۷-۳-۶. حکیم پیشه.....
۱۰۱	۸-۳-۶. خنیاگر.....
۱۰۱	۹-۳-۶. دهقان.....
۱۰۳	۱۰-۳-۶. دیافروش.....
۱۰۳	۱۱-۳-۶. رمه سالار.....
۱۰۳	۱۲-۳-۶. شبان.....
۱۰۴	۱۳-۳-۶. شتربان.....
۱۰۴	۱۴-۳-۶. طبّاخ.....
۱۰۵	۱۵-۳-۶. قصاب.....
۱۰۵	۱۶-۳-۶. مارافسای.....
۱۰۵	۱۷-۳-۶. مسافر.....
۱۰۶	۱۸-۳-۶. منجم.....
۱۰۶	۱۹-۳-۶. ندیم.....

## فصل هفتم : حیوانات اهلی

۱۰۹	۱-۷. بز (زروی)
۱۱۲	۲-۷. بزغاله
۱۱۲	۳-۷. خر
۱۱۴	۴-۷. خروس
۱۱۷	۵-۷. سگ
۱۲۱	۶-۷. شتر
۱۲۴	۷-۷. گاو
۱۲۷	۸-۷. گربه
۱۳۱	۹-۷. گوسفند
۱۳۲	۱۰-۷. عاقبت حیوانات اهلی

## فصل هشتم : پرندگان

۱۳۶	۱-۸. باز
۱۳۷	۲-۸. بط
۱۳۷	۳-۸. بوم
۱۳۸	۴-۸. زاغ
۱۴۱	۵-۸. زغن
۱۴۵	۶-۸. سیمرغ
۱۴۶	۷-۸. طوطی
۱۴۷	۸-۸. طیطوی
۱۴۸	۹-۸. عقاب
۱۴۹	۱۰-۸. غراب
۱۵۱	۱۱-۸. غلبواژ
۱۵۲	۱۲-۸. کبک
۱۵۳	۱۳-۸. کبوتر
۱۵۶	۱۴-۸. ماهی خوار
۱۵۸	۱۵-۸. مرغ
۱۶۰	۱۶-۸. هدهد
۱۶۲	۱۷-۸. یهه

۱۶۶	فصل نهم : جانوران
۱۶۶	۹- ۱. اژدها
۱۶۷	۹- ۲. آهو
۱۶۹	۹- ۳. باخه
۱۷۱	۹- ۴. ببر
۱۷۲	۹- ۵. بوزینه
۱۷۵	۹- ۶. پلنگ
۱۷۷	۹- ۷. پنج پایک
۱۷۸	۹- ۸. خارپشت
۱۷۹	۹- ۹. خرگوش
۱۸۳	۹- ۱۰. خوک
۱۸۴	۹- ۱۱. راسو
۱۸۵	۹- ۱۲. روباه
۱۸۸	۹- ۱۳. شغال
۱۹۸	۹- ۱۴. عقرب
۱۹۹	۹- ۱۵. غوک
۲۰۰	۹- ۱۶. فیل
۲۰۲	۹- ۱۷. کک
۲۰۳	۹- ۱۸. گرگ
۲۰۶	۹- ۱۹. مار
۲۱۱	۹- ۲۰. ماهی
۲۱۴	۹- ۲۱. موش

۲۲۲	فصل دهم : شخصیت های خاص در کلیله و دمنه و مرزبان نامه
۲۲۲	۱۰- ۱. ضحاک
۲۲۳	۱۰- ۲. بهرام گور
۲۲۵	۱۰- ۳. نوخره
۲۲۵	۱۰- ۴. مرد طامع
۲۲۶	۱۰- ۵. دانای دینی
۲۲۷	۱۰- ۵. دانای مهران به
۲۲۸	۱۰- ۶. خسرو

۲۳۱.....	۷-۱۰. بزور جمهر
۲۳۳.....	۸-۱۰. نیک مرد
۲۳۳.....	۹-۱۰. دیوانه
۲۳۴.....	۱۰-۱۰. میهمان
۲۳۵.....	۱۱-۱۰. میزبان
۲۳۷.....	۱۲-۱۰. دزد

۲۴۱..... فصل یازدهم : دیوان و پریان

۲۴۵.....	فصل دوازدهم : شخصیت بخشی به عناصر طبیعت
۲۴۶.....	۱-۱۲. آفتاب - ابر - باد - کوه
۲۴۷.....	۲-۱۲. وکیل دریا

۲۴۸.....	فصل سیزدهم : فرجام سخن
۲۴۹.....	۱-۱۳. نتیجه
۲۵۱.....	۲-۱۳. فهرست منابع

## فصل اول :

# کلیات

« آنچه حقیقت را بهتر آشکار می سازد ، همانا تمثیل و کنایه است و  
آیا تمثیل جز افسانه یعنی مثلی به صورت داستان ، چیز دیگری هست ؟ »  
( لافوتن )

## شخصیت و شخصیت پردازی

شخصیت معادل واژه ی انگلیسی **Character**، انسان، حیوان، شیء واقعی یا خیالی ساخته و پرداخته شده ی ذهن نویسنده در قصه، رمان، داستان کوتاه، نمایش نامه و فیلم نامه است و خلق عینی و باور کردنی شخصیت در قصه، شعر، رمان، داستان کوتاه، فیلم نامه و ... شخصیت پردازی نامیده می شود.

اشخاص ساخته شده ای (مخلوقی) را که در داستان و نمایش نامه و ... ظاهر می شوند، شخصیت می نامند. شخصیت؛ در اثر روایتی یا نمایشی، فردی است که کیفیت روانی و اخلاقی او در عمل او و آنچه می گوید و می کند، وجود داشته باشد. خلق چنین شخصیت هایی را که برای خواننده در حوزه ی داستان، تقریباً مثل افراد واقعی جلوه می کنند، شخصیت پردازی می خوانند. « (میر صادقی، ۱۳۸۵: ۸۳)

وقتی در داستان سخن از شخصیت می شود؛ منظور فرد تحقق یافته ای است که مانند اشخاص حقیقی که ویژگی هایی را داراست و با این ویژگی ها در داستان ظاهر می شود.

« بازیگر داستان را **شخصیت** می گویند و در قصه ها قهرمان وجود دارد و شخصی را که در محور داستان کوتاه یا رمان قرار می گیرد و نظر ما را به خود جلب می کند « شخصیت اصلی » یا « شخصیت مرکزی » داستان می نامند. و اگر او در مبارزه با شخص دیگری در داستان باشد، آن شخص را « شخصیت مخالف »<sup>۱</sup> می گویند. اشخاص دیگری که در برابر « شخصیت های اصلی » قرار می گیرند یا « شخصیت های مخالف » را بهتر یا برجسته تر نشان می دهند به « شخصیت های مقابل »<sup>۲</sup> معروفند. دست آخر، « شخصیت همراز »<sup>۳</sup>، شخصیت فرعی در داستان و نمایشنامه است که شخصیت اصلی به او اعتماد می کند و با او اسرار مگو را در میان می گذارد. بهتر است از شخصیت مرکزی به عنوان « شخصیت اصلی

---

<sup>1</sup>: Protagonist

<sup>2</sup>:Antagonist

<sup>3</sup>:Foil

<sup>4</sup>:Confident(e)



« یاد شود نه قهرمان ، زیرا این شخصیت محوری یا مرکزی در همه حال شخصیتی نیست که خصوصیات قهرمانی شخصیت های قصه را داشته باشد و ممکن است شخصیت شریری باشد . » ( میر صادقی ، ۱۳۸۵ : ۷۰ )  
« به کار بردن « شخصیت مقابل » در برابر شخصیت یا شخصیت های دیگر ، کیفیت و ویژگی همه ی آنها را بهتر خلق و ظاهر می کند . » ( همان : ۷۱ )

اندک بودن شخصیت ها در هر حکایت و نزدیک بودن آغاز و انجام حکایات به هم ، کوتاه بودن داستان های « کلیله و دمنه » و « مرزبان نامه » را موجب گردیده است . کوتاه به این معنی که تعداد حوادث و درگیری های داستانی در آن اندک است . به طور مثال به این نمونه توجه کنید :

« آورده اند که رویاهی در بیشه ای رفت ، آنجا طبلی پهلوی درختی افکنده و هر گاه که باد جستی شاخ درخت بر طبل رسیدی ، آوازی سهمناک به گوش روباه آمدی . چون روباه ضخامت جثه بدید و مهابت آواز شنید طمع دربست که گوشت و پوست فراخور آواز باشد ، تا آن را بدرید الحق چربوی بیشتر نیافت . مرکب زیان در جولان کشید و گفت : بدانستم که هر کجا جثه ضخیمر و آواز آن هایل تر منفعت آن کمتر . » ( نصرالله منشی ، ۱۳۸۸ : ۷۰ )

کوتاه بودن داستان ها ، زیبایی اثر را به همراه داشته ، دست یابی به ارتباط معنوی حکایات را برای خواننده سهل الوصول نموده است . پی بردن سریع و بدون مانع به پیام و مفهوم حکایات این کتاب ، تأمین کننده ی هدف تعلیمی آن است . از سوی دیگر « انبوه جانوران از درندگان ، چرندگان ، پرنندگان و جز آن ها و اشخاص واقعه – که رفتار و حوادث مربوط به هر یک حاوی نکته ای و نمودار تجربه ای است – سراسر کتاب را از تنوعی دل پذیر و ملاحظتی خاص برخوردار کرده است . » ( یوسفی ، ۱۳۵۱ : ۱۶۲ )

یکی از دلایل اقبال عمومی به این حکایت ها و کاربرد جهانی و همگانی یافتن آنها همین ویژگی کوتاه بودن است . کوتاه بودن اثر باعث می شود که شنونده به آسانی بین آغاز و انجام حکایت ارتباط معنایی را دریابد و زودتر به پیام و مفهوم و مضمون آن پی ببرد ، و این ویژگی هدف تعلیم را به سهولت برآورده می سازد .

**لحن** : زبان و لحنی که در قصه های کلیله و دمنه و مرزبان نامه به کار گرفته شده ، زبانی فخیم و ادبی است و همین لحن ادبی و رسمی است که حکایت ها را واقعی و جدی جلوه می دهد .

در تمام داستان های کلیله و دمنه میان لحن و زبان انسان و حیوان به هنگام نقل مطالب ، تفاوتی وجود ندارد. هر چند « زبان شخصیت های داستانی باید هماهنگ با سن ، دانش ، شغل و حرفه ، جنسیت و پایگاه اجتماعی آنان باشد » ( محفوظ ، ۱۳۸۵: ۷۰) لیکن ما در کلیله و دمنه متوجه این موضوع می شویم که به طور مثال همه ی شخصیت ها در مجموعه حکایات این کتاب بداهه گو و حاضر جوابند و بدون آن که فرصتی برای پاسخ یا اظهار نظر بخواهند ، کلام همگی شان از استحکام و جزالت خاص و در عین حال یکسانی برخوردار است .

به طوری که اگر به جای نام حیوان ، نامی انسانی به کار بریم ، مشروط بر آن که عمل ، جنبه ی انسانی داشته باشد ، تغییری در اساس داستان پدید نیاید .

ایران دخت همان گونه سخن می گوید که طیطوی ماده و لحن و زبان پدر پیر شریک زیرک در حکایت یازده از « باب شیر و گاو » همان لحن و زبانی است که شگال پیر در باب « تیرانداز و ماده شیر » دارد .

**طرح ( پیرنگ ) :** « وابستگی موجود میان حوادث داستان را به طور عقلانی تنظیم می کند . » (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۱۵۲) این چنین طرحی در حکایت های حیوانات کمتر به چشم می خورد .

به طور کلی می توان این حکایت ها را دارای پیرنگی دیگرگونه دانست که بیشتر ناشی از شکل مجازی و تمثیلی این حکایت هاست و کمتر با مفهوم واقع نمایی یا راست نمایی در دیگر انواع داستان ارتباط دارد . البته در این حکایت ها نیز مجموعه وقایعی وجود دارد که با رابطه علت و معلولی به هم پیوند خورده اند ، اما خود وقایع هرگز قابل اثبات و منطقی نیست . علاوه بر این علت حوادث و انگیزه های شخصیت ها از عمل ، در این حکایت ها اغلب ساده و مشخص است ؛ مثلاً لازم نیست گفته شود که چرا یک گرگ به گوسفند حمله می کند یا روباهی قصد خروسی را دارد ؛ زیرا این رویارویی کشمکش در عالم حیوانی طبیعی و منطقی است ، اما گاهی لازم است انگیزه روشنتر بیان شود بویژه وقتی با دلایل و انگیزه های غیر طبیعی و نامعمول مواجهیم مثل وقتی بین زاغان و بومان درگیری و دشمنی وجود دارد و زاغی علت آن را بر زبان می آورد .

**شیوه ی نقل :** یکی از مشخصات داستان های کلیله و دمنه و مرزبان نامه ، شیوه ی نقل داستان در داستان ( قصه در قصه آوردن ) است . البته این شیوه ی داستان پردازی و داستان گویی اولین بار از هند وارد ایران و سپس آثار غربی شده است . داستان در داستان آوردن خاص حکایت های حیوانات نیست و

در بیشتر مجموعه های داستانی گذشته بویژه در « هزار و یک شب » ، شیوه ی مقبول و مشهوری بوده است.

گاهی داستان اصلی ، حکایت حیوانی است و چندین داستان با شخصیت های انسانی و حیوانی دیگر از زبان حیوانات تقریر می شود و زمانی داستان اصلی ، سرگذشت قهرمانان انسانی است و آنان برای تأیید سخنان خود و تأکید بر آنها از این حکایت ها استفاده می کنند .

« در داستان کوتاه اغلب مجالی برای شخصیت پردازی نیست و شخصیت پردازی بیشتر در رمان کارساز و مهم است ، از این رو بنیاد اغلب رمان های موفق و معتبر بر شخصیت پردازی آن ها گذاشته شده و شخصیت های آن هاست که به رمان ارزش و اعتبار می دهد و عموماً بر این عقیده اند که در شاهکارهای ادبی ، حوادث به طور منطقی از تقابل خلیات و طبایع آدم های داستان به وجود می آیند ، بنابر این هدف اصلی بسیاری از داستان ها نشان دادن خصلت و طبیعت شخصیت هاست. چون آنچه آدم دوست دارد یا به آن معتقد است ، بیشتر در هنگامی ظاهر می شود که او تحت فشار قرار گرفته باشد و نسبت به وضعیت و موقعیتی که بر او فشار می آورد ( ممکن است این وضعیت و موقعیت را خودش به وجود آورده باشد ) از خود واکنش نشان می دهد . از این نظر غالباً نویسندگان برای خلق داستان جالب توجه ، کشمکش مهمی را در زندگی شخصیت اصلی داستان انتخاب می کنند . » ( میرصادقی ، ۱۳۸۵ : ۸۶ )

### شخصیت ایستا ، شخصیت پویا

« شخصیت های قصه ، داستان کوتاه ، رمان ، نمایشنامه و ... را می توان از جنبه های مختلف تقسیم بندی کرد . از جمله ی این تقسیم بندی ها ، گروه شخصیت های ایستا<sup>۵</sup> و گروه شخصیت های پویا<sup>۶</sup> ( متحول ) است.

---

<sup>۵</sup>:Static character

<sup>۶</sup>:Dynamic character

شخصیت ایستا، شخصیتی در داستان است که تغییر نکند یا اندک تغییری را بپذیرد. به عبارت دیگر، در پایان داستان همان باشد که در آغاز بوده است و حوادث داستان بر او تأثیر نکند یا اگر تأثیر بکند، تأثیر کمی باشد.

اصولاً قصه‌ها، چه کوتاه و چه بلند اغلب شخصیت‌های ایستایی دارند. شخصیت پویا، شخصیتی است که یکریز و مداوم در داستان، دستخوش تغییر و تحول باشد و جنبه‌ای از شخصیت او، عقاید و جهان بینی او یا خصلت و خصوصیت شخصیتی او دگرگون شود. این دگرگونی ممکن است عمیق باشد یا سطحی، پدیده‌مانه باشد یا محدود. شاهکارهای ادبی اغلب دارای شخصیت‌های پویایی هستند.

در داستان کوتاه، غالباً مجالی برای تغییر و تحول شخصیت‌ها نیست؛ اگر تحولی صورت بگیرد، اغلب در شخصیت اصلی داستان است و شخصیت‌های دیگر داستان کم‌تر دچار تغییر می‌شوند. بنابراین در اغلب داستان‌های کوتاه، ممکن است شخصیت‌های ایستایی وجود داشته باشند که در طول داستان خصوصیت‌های آن‌ها تغییر نکند یا کم‌تغییر بکند. (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۹۳)

اکثر شخصیت‌های کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه «ایستا» هستند؛ یعنی متأثر از حوادث داستانی نشده و تغییری در شخصیت آنها ایجاد نمی‌شود. مثلاً کلیله در پایان قصه همان شخصیتی را داراست که از آغاز داشته است؛ اما در میان حکایات، شخصیت پویا نیز وجود دارد. مثلاً ماده شیری که به خون خوردن و خون ریختن عادت داشت، چون بچه‌هایش به تیر تیراندازی تلف شدند، پس از شنیدن سخنان شغال پیر «بترک ناشایست بگفت و از خوردن گوشت باز بود و بمیوه‌ها قانع گشت.» (نصرالله منشی، ۱۳۸۸: ۳۳۷) یا در داستان «شتر و شیر پرهیزگار»، خرس شخصیتی است که از اعمال و گفته‌های خود پشیمان می‌شود.

در شماری از داستان‌ها و نمایش‌نامه‌ها، گاه یک شخصیت به دلیل ظهور پی در پی در آثار ادبی خصوصیتی سنتی و جاافتاده پیدا می‌کنند که به عنوان شخصیت قرار دادی در نظر گرفته می‌شود. از نمونه‌های برجسته‌ی چنین شخصیتی در ادبیات داستانی، می‌توان به عجزه‌ی جادوگر و رویاه مکار اشاره کرد. شخصیت قراردادی اگر چه آشناست اما نمونه‌ی گروه خود نیست و اگر این شخصیت نمونه‌ی بارز از یک نوع، جنس یا صفت باشد از آن به عنوان شخصیت نوعی یا تیپ یاد می‌کنیم. اصولاً ویژگی‌های گروه یا طبقه‌ی اجتماعی در تیپ تجلی می‌کند که به عنوان نمونه می‌توان به تیپ